



پارسامهر، مهربان و بیرجندی چهارطاقی، فاطمه (۱۳۹۸). آزمون تجربی
تئوری کنش عقلانی در تبیین تعاملات همسایگی (مورد مطالعه: جامعه شهری
یزد). جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی، ۶(۱۳)، ۶۷-۹۴.

آزمون تجربی تئوری کنش عقلانی در تبیین تعاملات همسایگی (مورد مطالعه: جامعه شهری یزد)

مهربان پارسامهر^۱ و فاطمه بیرجندی چهارطاقی^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۷/۲۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۴/۱۷

چکیده

تعاملات همسایگی از جمله رفتارهایی هستند که امروزه مورد توجه جامعه‌شناسان شهری قرار گرفته‌اند. در این مقاله به منظور تبیین رفتارهای همسایگی از تئوری کنش عقلانی آیزن و فیش‌باین استفاده شده است. این تئوری معتقد است که مردم منطقی هستند، به خوبی فکر می‌کنند و تصمیمات را بر اساس اطلاعاتی که در اختیار دارند، می‌گیرند. متغیرهای نگرش به تعاملات همسایگی، هنجارهای ذهنی، قصد انجام رفتار، باورهای رفتاری و باورهای هنجاری سازه‌های اصلی این مدل را تشکیل می‌دهند. روش پژوهش، پیمایشی و با ابزار پرسشنامه اطلاعات لازم جمع‌آوری شده است. نمونه تحقیق شامل ۳۸۵ نفر از ساکنان شهر یزد است که از طریق نمونه‌گیری طبقه‌ای متناسب و سپس به شیوه تصادفی ساده انتخاب شده‌اند. پرسشنامه این تحقیق محقق ساخت بوده که جهت سنجش پایایی آن از آزمون آلفای کرونباخ و تحلیل عاملی تأییدی استفاده گردید. نتایج نشان می‌دهد که بین سازه‌های مدل با تعاملات همسایگی همبستگی مثبت و معناداری وجود دارد. به طوری که بین نگرش و تعاملات همسایگی و باورهای رفتاری، باورهای هنجاری، هنجارهای ذهنی و بین قصد انجام رفتار با تعاملات همسایگی رابطه مثبت و معنادار مشاهده شد. با این حال هر چند سازه‌های مدل، همبستگی معنی‌داری با تعاملات همسایگی دارند، اما باید از دیگر سازه‌ها که در مدل‌های مشابه ارائه شده‌اند غافل نبود و تحقیقات گسترده‌تری در این زمینه انجام داد تا به یک مدل کلی‌تر با سازه‌های بیشتری دست‌یافت.

کلیدواژه‌ها: تعاملات همسایگی؛ نظریه کنش عقلانی؛ شهر یزد.

۱- دانشیار دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه یزد، parsamehr@yazd.ac.ir

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد پژوهش علوم اجتماعی دانشگاه یزد (نویسنده مسئول)،
fatemehbirjandi2018@yahoo.com

۱- مقدمه و بیان مسأله

در دوره معاصر شهرهای بزرگ جهان به محل تراکم و رشد جمعیت، تبادل کالا، اشیاء و اطلاعات تبدیل گشته‌اند و بیش از ۵۰ درصد مردم جهان در شهرها زندگی می‌کنند و جمعیت شهرنشینی با شتابی فزاینده به‌ویژه در کشورهای به‌اصطلاح کمتر توسعه‌یافته (جنوب) در حال افزایش است (واکلی، یو^۱، ۲۰۰۱). در فضایی که شهرها رشد فزاینده‌ای را تجربه می‌کنند انواع روابط اجتماعی در حال شکل‌گیری است. یکی از انواع شبکه‌های روابط اجتماعی، همسایگی است. روابط همسایگی در جوامع سنتی فراگیرتر و متنوع‌تر و در جوامع صنعتی محدودتر و جزئی‌تر به نظر می‌رسد زیرا کنش متقابل اجتماعی چهره به چهره در جوامع صنعتی روبه‌روز در حال کاهش است و منظور از کنش متقابل اجتماعی، سلسله حرکات بارزی است که انسان برای دستیابی به هدفی نسبت به انسانی دیگر انجام می‌دهد. افراد به برقراری رابطه اجتماعی نیاز ذاتی دارند و به همین دلیل موقعیت‌هایی فراهم می‌آورند تا بتوانند رابطه اجتماعی را تجربه کنند. روابط اجتماعی که با اهداف مختلفی صورت می‌گیرد، یا عاطفی است که شامل دوستی، خویشاوندی و روابط همسایگی است یا عقلانی است که در جست‌وجوی به حداکثر رساندن شانس افراد در رسیدن به هدف است، یا بر مبنای ارزش است که هدفی را بدون توجه به سایر اهداف ممکن و هزینه آن دنبال می‌کند یا سنتی است که بر مبنای سنت‌ها و اعتقادات شکل می‌گیرد و علت دوام و استمرار آن، وجهه سنتی و اعتقادی آن است (طالبی، ۱۳۸۳: ۱۶۲).

متأسفانه در دنیای ماشینی امروز، روابط عاطفی و انسانی مردم با یکدیگر چنان به ضعف و خاموشی گراییده است که همسایگان نزدیک نیز کوچک‌ترین خبری از حال یکدیگر ندارند و حتی گاهی پس از چندین سال سکونت در یک محل، هنوز از نام هم بی‌خبرند (فلاح، ۱۳۹۲: ۹). همچنین از دیگر اتفاقاتی که در جامعه‌ی شهری امروز رخ داده می‌توان به تغییر شکل «صمیمت» میان افراد، از بین رفتن خصلت طبیعی اجتماع محلی و ورود بیش‌ازپیش نهادهای مدرن در قلمرو زندگی خصوصی افراد اشاره کرد. در این فرآیند به نظر می‌آید که روابط شخصی از بین رفته‌اند و با فاصله‌گیری زمانی-مکانی جریان‌ها و افراد، روابط متقابل و رودروی افراد جایش را به ارتباطات مجازی داده‌اند. اگرچه زمانی این سازمان‌های خویشاوندی وظیفه‌ی تنظیم کنش‌ها را بر عهده داشته‌اند، امروز تأثیر آن‌ها کمتر شده است. هم‌چنین به علت وجود مهاجرت‌های مکرر افراد و تحرک‌های فیزیکی و مکانی‌شان، دیگر کمتر صحبت از اجتماع

محلی با محیط آشنای آن می‌شود (رستگار خالد و دیگران، ۱۳۹۳: ۹۲). از طرفی نیز اجتماعی بودن انسان ایجاب می‌کند همواره دارای کنش متقابل باهم نوعان خود باشد، کنش و رفتاری که به‌ناچار می‌بایست در یک بستر و محیط مشترک شکل گیرد.

از گذشته‌های دور محلات مسکونی در شهرها، به‌عنوان سلول‌های حیات شهری دارای نقش اساسی در زندگی ساکنان آن‌ها بوده‌اند. با توجه به اینکه در گذشته محلات شهری، مکانی برای گردآمدن افراد با ویژگی‌های قومی-نژادی، مذهبی، اقتصادی، اجتماعی و ... مشترک بوده است به دنبال تجمع بیشتر افراد با ویژگی‌های مشترک در یک محدوده، آن بخش از شهر دارای هویت خاص و شناخته‌شده‌ای می‌بود که سبب تمایز آن از دیگر بافت‌های اطراف می‌گردید. همین عامل در آن محدوده سبب ایجاد فضاهایی با کارکرد و عملکردهای خاص شده که بافت آن را نیز از محدوده‌های اطراف متمایز می‌کند (وحیدا و نگینی، ۱۳۹۱: ۳۶). بنا بر نظر زیمل، روند تاریخ جدید، آزادی فزاینده فرد را از بندهای وابستگی شدید اجتماعی و شخصی نشان می‌دهد ضمن آنکه فرآورده‌های فرهنگی ساخته انسان، بیش‌ازپیش بر انسان چیرگی می‌یابند. او استدلال می‌کند که در جوامع پیشین انسان نوعاً در یک‌رشته محدودی از حلقه‌های اجتماعی به نسبت کوچک زندگی می‌کرد. چنین حلقه‌هایی از گروه‌های خویشاوندی و اصناف گرفته تا شهر و دهکده، راه‌های گریز فرد را می‌بستند و او را به‌شدت در قبضه خودشان می‌گرفتند، کل شخصیت فرد در این زندگی گروهی تحلیل رفته بود؛ اما اصل سازمانی در جهان نوین با اصل سازمانی جوامع پیشین تفاوت بنیادی دارد (یوسفی، ۱۳۸۳: ۱۹۱). چارلز هورتن کولی، عقیده دارد محیط همسایگی، به‌منزله پرورشگاه طبیعت انسانی است که در آن احساسات پایه‌ای، ضروری، وفاداری و توجه به دیگران آموخته می‌شود. همسایگان با بهره‌گیری از روابط متقابل چهره به چهره و مناسبات عاطفی و همانندی و همکاری نزدیک، در تربیت اجتماعی و رشد عاطفی یکدیگر می‌کوشند. ژان پیاژه، روانشناس مشهور نیز روح جمعی و فردی را به هم پیوند داده و تأثیر رفتارهای افراد ساکن در مجاورت خانواده‌ها را در ویژگی‌های رفتاری کودکان، امری مسلم دانسته است (فلاح، ۱۳۹۲: ۱۴). در سال‌های اخیر محققین در تحقیقات خود به فقدان پیوندهای عمیق میان همسایگان در محیط‌های شهری مدرن توجه کرده‌اند. پیمایش‌ها در منابع مکتوب نشان می‌دهد که محققین با طرح مفاهیمی مانند «زوال روابط همسایگی»، «تنزل اجتماع»، «اجتماع ازدست‌رفته»، «فقدان انسجام اجتماعی» و اصطلاحاتی قریب به این مضامین، نگرانی خود را نسبت به فرسایش روابط همسایگی و آثار اجتماعی ناشی از آن بیان داشته‌اند (سرعلی و پوردیهمی، ۱۳۹۵: ۱۹). به همین جهت، بازسازی

شبکه‌های اجتماعی و افزایش انسجام در شبکه همسایگی، نقطه کانونی سیاست‌های تجدید حیات شهری در بسیاری از کشورهاست (فلینت، کیرنس^۱، ۲۰۰۶).

اگرچه تجربه همسایگی در کلان‌شهرها در کشورهای مختلف، تفاوت‌هایی باهم دارد و از این جهت نیز نتایج متفاوتی بر حیات شهری دارد لکن در این باره توافق کلی وجود دارد که همسایگی بخش مهمی از فضای عمومی شهر است که مجال ارتباط و پیوند اجتماعی را برای ساکنین فراهم می‌آورد و تضعیف آن باعث فرسایش انسجام شهر می‌شود (یوسفی و دیگران، ۱۳۸۸: ۱۳۹). همچنین وجود تعاملات و همبستگی مکانیکی در درون محلات و در روابط همسایگان به‌عنوان مهم‌ترین ابزار نظارتی و کنترلی، می‌تواند از بسیاری از جرائم و بزهکاری‌ها بکاهد. طبق نظر دورکیم اگر در جامعه‌ای همبستگی اجتماعی قوی باشد، اعضای آن هم‌نوابی بیشتری با ارزش‌های جامعه خواهند داشت. تعاملات همسایگی نیز آینه‌ای از وضعیت اعتماد و سرمایه اجتماعی محلات است. در خانواده‌های ایرانی، پیوندهای بین خانواده‌ها و همسایه‌ها، کارکردهای اجتماعی و فرهنگی بسیاری دارد (خطیبی، ۱۳۹۶: ۲۵-۲۴). با توجه به اینکه بسیاری از پژوهشگران به مسائل و آسیب‌های ناشی از فرسایش پیوندها و انسجام در عرصه همسایگی توجه کرده‌اند اما تاکنون پژوهشی که رابطه تعاملات همسایگی و کنش عقلانی بین افراد را مورد تحقیق و تفحص قرار دهد، انجام نشده است. مقاله حاضر درصدد است به بررسی سطوح روابط همسایگی شهروندان شهر یزد پرداخته و ضمن ارائه تصویری از سطح و نوع تعاملات همسایگی، تحلیلی اجمالی از ارتباط آن با کنشگری عقلانی در این شهر را نیز ارائه دهد.

۱-۱- سوالات تحقیق

- آیا با تغییرات زندگی شهری در یزد تعاملات همسایگی در میان شهروندان دارای انسجام پیشین است؟
- شهروندان یزدی با چه سطحی از صمیمیت یا عقلانیت با همسایه‌های خود ارتباط برقرار می‌کنند؟
- آیا بین مناطق مختلف شهر یزد و تعاملات همسایگی میان شهروندان تفاوتی وجود دارد؟

۲-۱- اهداف تحقیق

- بررسی تعاملات همسایگی میان شهروندان یزد.
- بررسی ارتباط سطح تعاملات همسایگی با توجه به نظریه کنش عقلانی.
- تعیین سطوح روابط همسایگی میان شهروندان یزد.

۲- پیشینه پژوهش

۲-۱- پژوهش‌های تجربی

در ارتباط با تعاملات همسایگی در ایران پژوهش انصاری (۱۳۸۱) که محور اصلی بحث، نقش اجتماعی محله در شهرهای اسلامی است که با روش کیفی و کتابخانه‌ای بررسی شده است. محله در شهرهای اسلامی به عنوان یک واحد اصلی روابط اجتماعی بوده و از اجزاء اصلی و فرعی تشکیل شده است و عوامل فضایی، فرهنگی و اقتصادی در آن دخالت داشته است.

پژوهش طالبی (۱۳۸۳) که مبتنی بر مطالعات نظری و میدانی در سه منطقه «۲»، «۱» و «۱۶» شهرداری تهران بوده است با بررسی نظرات ۶۰ نفر نشان داد که ۸۵ درصد پاسخگویان تمایل به داشتن روابط همسایگی دارند. در حدود ۸۳ درصد از پاسخگویان با همسایگان محل سکونت قبلی خود در ارتباط بوده و نزدیک به ۴۳ درصد آن‌ها هنوز رابطه همسایگی خود را حفظ کرده‌اند. حتی در بعضی موارد این رابطه به دلیل ازدواج فرزندان قوی‌تر و به رابطه فامیلی تبدیل شده است. با توجه به نتایج مطالعات «نظری» و «میدانی» تحقیق، می‌توان عوامل مؤثر بر ارتباط اجتماعی و روابط همسایگی افراد را به دو گروه، «عوامل بیرونی» و «عوامل درونی» تقسیم کرد. در مورد عوامل بیرونی، می‌توان ساختار کالبدی فضاهای مسکونی و نوع ارتباطاتی که در این فضاها شکل می‌گیرند و در مورد عوامل درونی می‌توان به عوامل مختلفی از قبیل بعد خانوار، سطح سواد، متراز، فضای سکونت، تعداد اتاق و ... اشاره کرد. ترکیب عوامل درونی و بیرونی اگر منطبق بر ارزش‌های حاکم و ساخت روابط اجتماعی جامعه باشد، به‌خوبی به اهداف موردنظر پاسخ می‌دهد.

نوابخش (۱۳۸۷) نیز سعی داشته با مطالعه ابعاد تئوریک و میدانی، دیدگاه تضعیف تعامل همسایگی در حیات شهری را در منطقه دو شهرداری شهر تهران به آزمایش گذاشته و قوت و ضعف آن را مشخص نماید. نتیجه بررسی فرضیات مطرح شده نشان می‌دهد که روابط همسایگی آن‌چنان‌که نظریه‌پردازان دیدگاه جبرگرائی اکولوژیک معتقدند در این منطقه از شهر

تهران تضعیف نشده، هرچند که فرضیاتی چند نیز مؤید این ادعا است اما این امر باعث نگرانگیده که افراد با همسایگان نزدیک خود روابط همسایگی را رها نمایند.

پژوهش یوسفی و همکاران (۱۳۸۸) با تحلیل ثانویه داده‌های همسایگی بر روی ۳۰ شبکه همسایگی در سه منطقه برگزیده شهر مشهد به‌روشنی نشان داد که انسجام رابطه‌ای شبکه همسایگی این شهر کمتر از حد متوسط و بیشتر نیز متکی بر پیوندهای ضعیف همسایگی هست و انسجام ارزشی شبکه نیز از لحاظ شدت علایق ارتباطی و تعهدات محلی ضعیف، اما از نظر اشتراک علایق و تعهدات نسبتاً بالاست. تحلیل چندگانه انسجام رابطه‌ای و ارزشی شبکه همسایگی نیز حاکی از این است که متغیرهای ثبات مسکونی، تراکم مسکونی، تنوع پایگاهی، تنوع قومی-مذهبی و محلی در تغییرات انسجامی شبکه دخیل هستند و در این میان متغیر نخست یعنی ثبات مسکونی و تنوع پایگاهی سهم بیشتری در این تغییرات دارند.

سروستانی و نیمروزی (۱۳۸۹) با روش پیمایشی ۸۵ شبکه‌ی همسایگی (در هر شبکه ۵ خانوار) را در محلات شهر مشهد بررسی کرده‌اند. آن‌ها به این نتیجه رسیدند که بین متغیرهای اعتماد به همسایه‌ها، نگرش به محیط فیزیکی محله، تمایل به مشارکت در امور محله، سطح سواد فرد، عضویت در انجمن‌های اجتماعی محله و رتبه‌ی اقتصادی و اجتماعی منطقه محل سکونت از یک‌سو و احساس امنیت در محله از دیگر سو، ارتباطی مثبت وجود دارد.

پژوهش رستگار خالد و همکاران (۱۳۹۳) نیز با بررسی نظرات ۳۸۴ نفر در شهر آران و بیدگل نشان داد که رابطه مستقیمی بین سرمایه‌ی اجتماعی همسایگی و افزایش هویت محله‌ای، کنترل اجتماعی و امنیت محله‌ای وجود دارد و علی‌رغم گسترش دنیای ارتباطات مجازی، همچنان روابط همسایگی در شهر کوچکی مثل آران و بیدگل، مهم بوده و یکی از حلقه‌های ارتباطاتی افراد را تشکیل می‌دهد.

خطیبی (۱۳۹۶) نیز در تحقیقی به‌عنوان «تبیین جامعه‌شناختی تعاملات همسایگی و تأثیر آن بر احساس نشاط اجتماعی شهروندان در شهر همدان» به این نتایج رسیده است که بین تعاملات همسایگی و نشاط اجتماعی رابطه‌ی معنادار و قوی‌ای وجود دارد. بین زنان و مردان در تعاملات همسایگی تفاوت معناداری نیست اما در احساس نشاط اجتماعی تفاوت معنادار است. رگرسیون چند متغیره نشان داد که از بین مؤلفه‌های تعاملات همسایگی، شبکه‌ی روابط، بیشترین تبیین‌کننده‌ی نشاط اجتماعی است. تحلیل مسیر نیز نشان داد که اعتماد به همسایه‌ها تحت تأثیر شبکه‌ی روابط و شناخت همسایه‌ها از یکدیگر است.

باسما عیسی و همکاران^۱ (۲۰۱۵) در تحقیقی با عنوان «محلّه‌ها و تعاملات اجتماعی: مورد مطالعه محلّه النجاتا در دوحه» معتقدند که شهرها مکان‌هایی را برای مردم فراهم می‌کنند که زندگی کنند، کار کنند، یاد بگیرند و معاشرت کنند. به عنوان محیط‌های شهری، امروزه شهرها اغلب با گسترش شهر مشخص می‌شوند که در آن فضای عمومی آزاد نادیده گرفته می‌شوند و یا تعاملات اجتماعی دلسرد می‌شوند. در حقیقت، تشویق تعاملات اجتماعی در میان همسایگان یک عامل حیاتی برای اجرای زیست‌پذیری بین ساکنان شهر است. شواهد اخیر حاکی از آن است که تعاملات اجتماعی به ندرت در محلّه‌های شهری امروزی رخ می‌دهند. بنابراین، ارزش بررسی این است که چگونه جوامع می‌توانند در آینده با هدف افزایش تعاملات اجتماعی طراحی شوند. منطقه آ یک^۲ در دوحه، یک مطالعه موردی مفید فراهم می‌کند، چرا که این یک منطقه سنتی است که بر پایه ساختارهای اجتماعی رسمی با هدف شکل‌گیری تعامل اجتماعی در محلّه‌های قدیمی ساخته شده است. این مقاله به بررسی چگونگی تطبیق ساختار شهری منطقه النجاه^۳ به منظور افزایش تعاملات اجتماعی و تبدیل شدن به نمونه موثر توسعه پایدار می‌پردازد. همچنین در این مقاله عوامل موثر بر توسعه اجتماعی پایدار در بازسازی النجاه به عنوان یک دارایی سنتی در قلب دوحه مورد بررسی قرار گرفته است. یافته‌های این تحقیق منجر به تعریف مجموعه‌ای از توصیه‌ها برای یک رویکرد طراحی، براساس برنامه‌ریزی هوشمند و دستورالعمل‌های طراحی، با هدف اجرای محلّه آ یک به منظور تسهیل تعاملات اجتماعی شد. این توصیه‌ها به طور صادقانه برنامه‌ریزی می‌شوند که مردم محلی را توانمند می‌سازند تا محیط خود را شکل دهند و با طرح‌های محلّه مختصر، چشم‌انداز مثبتی برای آینده این منطقه ایجاد کند.

ارین یورک کورن ول و ریچل بهلر^۳ (۲۰۱۵) در تحقیقی با عنوان «شهرسازی، فضای همسایگی و شبکه‌های اجتماعی» معتقدند که تئوری شهرسازی بیانگر این است که بافت شهری روابط اجتماعی قوی افراد با دوستان و خانواده را از بین می‌برد. به همین علت تحقیقات اخیر توجه خود را به بافت محلّه محدود کرده است و بر این موضوع تاکید دارد که چگونه عیب ساختاری محلی بر انسجام سطح جامعه و سرمایه اجتماعی تاثیر می‌گذارد. آن‌ها در این مقاله استدلال می‌کنند که بافت محلّه نیز روابط اجتماعی خاصی را برای دوستان و خانواده به خصوص افراد سالمند ساکن در جامعه شکل می‌دهد. آن‌ها فرض می‌کنند که نقطه ضعف

1- Bassma Eissa & al.

2- A1

3- Erin York Cornwell & Rachel L. Behler

محل، بی‌ثباتی مسکونی و اختلال در آن توانایی ساکنان را در داشتن روابط نزدیک با همسایگان و دوستان غیر همسایه محدود می‌کند. طبق یافته‌های این دو محقق بزرگسالان مسن‌تر که در محله‌های محروم زندگی می‌کنند، شبکه‌های اجتماعی کوچکتری دارند. معایب همسایگی نیز با روابط شبکه کمتر صمیمی و نزدیک و ارتباط متقابل کمتر ارتباط دارد که این مورد تنها در میان مردان است. علاوه بر این ساکنان محله‌های ناسازگار شبکه‌های کوچکتر و روابط ضعیف‌تری دارند. آن‌ها در پایان تحقیق خود از محققان درخواست می‌کنند تا توجه بیشتری به چگونگی ارتباط محله‌ها در عدم دسترسی به منابع مبتنی بر شبکه تعاملات همسایگی داشته باشند.

بروس و درک فرگوسن (۲۰۱۶) نیز در تحقیقی با عنوان تأثیرات شخصی و معماری بر رفتارهای همسایه بیان می‌کنند ساکنانی که در فضای اجتماعی شرکت کرده‌اند، تنها بخشی از جمعیت ساکن در یک محله هستند. همچنین مشخص شد که برخی از افراد تصمیم گرفته‌اند در هیچ شبکه اجتماعی منطقه‌ای شرکت نکنند. فضای اجتماعی محل مناسبی برای کسانی بود که تصمیم به استفاده از آن را گرفته بودند. برخلاف سایر تحقیقات، گروه‌های اجتماعی و افرادی وجود دارند که خودشان را بدون مشارکت در فضای اجتماعی توسعه و حفظ می‌کنند.

کیم پارکر و همکاران ۱ (۲۰۱۸) در تحقیقی با عنوان «چگونه ساکنان شهرها، حومه شهری و روستایی با همسایگان‌شان تعامل دارند» بیان می‌کنند که اکثر آمریکایی‌ها می‌گویند که حداقل برخی از همسایگان خود را می‌شناسند اما تنها در حدود ۳ تا ۱۰ نفر می‌گویند که آن‌ها همه یا بیشتر آن‌ها را می‌شناسند. ساکنان روستایی بیشتر از مناطق شهری یا افرادی که در حومه‌شهر زندگی می‌کنند، می‌گویند که همه یا بیشتر همسایگان خود را می‌شناسند اما آن‌ها لزوماً با همسایگان خود بیش از هم‌تایان خود در سایر گروه‌های اجتماعی تعامل ندارند. به طور کلی، آمریکایی‌ها تمایل دارند به همسایگان خود اعتماد کنند، اما این موضوع به خصوص در مناطق روستایی صدق می‌کند. در حدود شش تا ۱۰ نفر در این نوع جامعه می‌گویند که آن‌ها یک همسایه دارند که می‌توانند با اعتماد کامل کلید منزل خود را به آنان بدهند، در حالی که در مناطق شهری نیمی از آن‌ها مورد اعتماد هستند.

در جمع‌بندی پیشینه تجربی می‌توان گفت با توجه به اینکه بسیاری از پژوهشگران به مسائل و آسیب‌های ناشی از فرسایش پیوندها و انسجام در عرصه همسایگی توجه کرده‌اند اما

تاکنون پژوهشی که رابطه تعاملات همسایگی و کنش عقلانی بین افراد را مورد تحقیق و تفحص قرار دهد، انجام نشده است. با توجه به آنچه گذشت مقاله حاضر درصدد است به بررسی سطوح روابط همسایگی شهروندان شهر یزد پرداخته و ضمن ارائه تصویری از سطح و نوع تعاملات همسایگی، تحلیلی اجمالی از ارتباط آن با کنشگری عقلانی در این شهر را نیز ارائه دهد.

۲-۲- چارچوب نظری

در این بخش ابتدا تئوری کنش عقلانی از دیدگاه آیزن و فیش‌باین^۱ و سپس مفهوم تعاملات همسایگی به صورت خلاصه ارائه می‌شود.

تئوری کنش عقلانی^۲

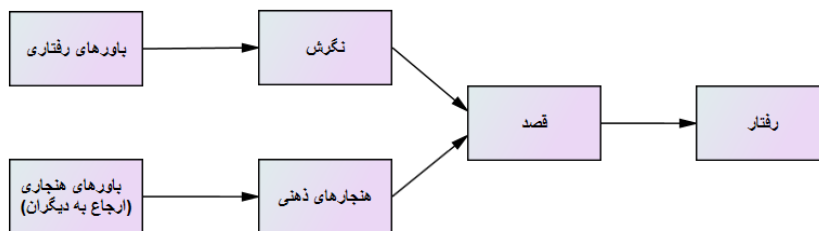
تئوری کنش عقلانی (تی‌آرای) یک چارچوب نظری طراحی شده توسط آیک آیزن و مارتین فیش‌باین برای درک، توضیح، پیش‌بینی و نفوذ رفتار انسانی است. این تئوری معتقد است که مردم منطقی هستند، به خوبی فکر می‌کنند و تصمیمات را بر اساس اطلاعاتی که در اختیار دارند، می‌گیرند. تئوری کنش عقلانی نتیجه سال‌ها تحقیقاتی است که در اواخر دهه ۱۹۵۰ آغاز شد. اثربخشی در پیش‌بینی طیف گسترده‌ای از رفتارهای جنسی تا فعالیت مربوط به سیگار کشیدن را بر اساس یک مجموعه محدود از شش متغیر نشان داد. هدف نهایی آن، نه تنها برای پیش‌بینی، بلکه برای درک رفتار انسان است. جهت استفاده از تئوری کنش عقلانی برای پیش‌بینی و درک رفتار انسان، باید چند مرحله را دنبال کرد (آیزن و فیش‌باین، ۱۹۸۰: ۲۰). اولین گام در ارزیابی و پیش‌بینی رفتار فرد، شناخت و اندازه‌گیری رفتار موردعلاقه است. هنگامی که رفتار به درستی شناسایی شده باشد، در مرحله بعد مواردی که این رفتار را تعیین می‌کنند، شناسایی می‌شوند (همان، ۱۹۸۰: ۲۱).

تئوری کنش عقلانی از چند متغیر محدود برای پیش‌بینی و درک رفتارهای انسانی استفاده می‌کند. اعتقادات، نگرش‌ها، باورهای هنجاری (ارجاع به دیگران)، هنجارهای ذهنی و اهداف، ساختارهایی هستند که در تئوری کنش عقلانی برای درک بهتر این موضوع که چرا فرد یک رفتار خاص را انجام می‌دهد، استفاده می‌شوند. در طی چهار دهه گذشته، تئوری کنش عقلانی، توسط دانشمندان علوم اجتماعی در انواع مختلف برنامه‌های کاربردی تحت شرایط

1- Ajzen, I. & Fishbein, M.

2- Theory Of Resonated Action (TRA)

متنوع از جمله خرید اینترنتی، رفتارهای بهداشتی کودکان و ... استفاده شده است. (ریورا، ۲۰۰۴: ۲۷) یک نمایش گرافیکی از ترکیبات تئوری کنش عقلانی و روابط آن‌ها با یکدیگر را می‌توان در شکل زیر مشاهده کرد.



شکل ۱: مدل نظری کنش عقلانی آیزن و فیشباین ۱۹۸۰

به نظر آیزین و فیشباین یک کنش یا رفتار در پی یک زنجیره عوامل روی می‌دهد. حلقه ماقبل بروز رفتار، «قصد و نیت» انجام یک رفتار است؛ اما قصد و نیت، خود متأثر و تابع دو متغیر دیگر است، اولی «نگرش به رفتار» که متغیر فردی و شخصی هست و طی آن رفتار از منظر فرد کنشگر، ارزیابی می‌شود. متغیر دوم «هنجار ذهنی» است که منعکس‌کننده نفوذ و فشار اجتماعی است که شخص آن را برای یک کار (رفتار) احساس و ادراک می‌کند. این تئوری مبتنی بر این فرض است که افراد به‌طور منطقی عمل می‌کنند. آن‌ها تمامی اطلاعات در دسترس درباره رفتار هدفدار را جمع‌آوری و به‌طور منظم ارزیابی می‌کنند. همچنین اثر و نتیجه اعمال را در نظر می‌گیرند که عملی را انجام دهند یا انجام ندهند.

سازه‌های اصلی این مدل عبارت‌اند از:

نگرش نسبت به رفتار^۱: نگرش به‌عنوان احساس مثبت یا منفی درباره انجام رفتار تعریف شده است. نگرش فردی نسبت به رفتار، برآیند باورهای نگرشی (احتمال ذهنی فرد در مورد اینکه انجام رفتار هدف، نتیجه خاص را به دنبال خواهد داشت) در ارزیابی آن پیامدها (پاسخ ارزیابانه صریح نسبت به نتیجه) هست (آیزین و فیشباین، ۱۹۸۰: ۳۰).

رفتار انسان نشانه‌ای از نگرش‌های اوست که آن را می‌توان آمادگی وی برای اجرای عمل به‌گونه‌ای خاص تصور کرد؛ اما به‌رغم عدم قطعیت رابطه بین نگرش و رفتار، چنین تصور

می‌شود که باید نوعی هماهنگی بین آن‌ها وجود داشته باشد، زیرا در غیر این صورت طبق نظریه‌ی ناهماهنگی شناختی، فرد به تعارض روان‌شناختی ناشی از عدم هماهنگی بین نگرش‌های خود برمی‌خورد که در نتیجه آن دچار اضطراب و فشار روانی می‌گردد. مثلاً، اگر یک فرد که نگرشی مثبت نسبت به تعاملات همسایگی دارد به حرکاتی دست‌زند که منافی با نگرش رفتاری وی در برخورد با همسایگان باشد، بر اثر تعارض بین این دو (نگرش و رفتار) احساس خوبی نخواهد داشت.

از آنجایی که رابطه‌ی بین نگرش و رفتار امری متقابل است (نگرش بر رفتار و رفتار بر نگرش اثر می‌گذارد)، می‌توان با تغییر در یکی در دیگری نیز تغییر ایجاد کرد؛ زیرا سازمان‌های تجاری به این نتیجه رسیده‌اند که می‌توان با تغییر در نگرش‌ها و دیدگاه‌های مردم در رفتار و عادات آن‌ها هم تغییراتی ایجاد کرد. اگر نگرش به‌اندازه کافی قوی باشد و به‌اصطلاح کاملاً درونی شده باشد، نهایتاً در شکل‌گیری رفتار و به‌تبع آن کردار آنان مؤثر خواهد بود (نواح و فروتن‌کیا، ۱۳۹۰: ۷۲).

هنجارهای ذهنی^۱: بر این مبنا استوارند که افراد تحت تأثیر اشخاص مختلفی در جامعه نظیر پدر، مادر، همسر و رهبران دینی و غیره قرار گرفته و در اثر نفوذ آن‌ها رفتاری را انجام می‌دهند. این سازه نیز شامل دو عامل باورهای هنجاری و انگیزه پیروی است (همان، ۱۳۹۰: ۷۲). کردار کنشگران به هنجارهای مرتبط با رفتار متکی است. در شرایطی که نگرش‌ها و هنجارها هر دو رابطه مثبت با رفتار داشته باشند، «قصد انجام دادن عمل» زیاد خواهد بود. نگرش‌ها و هنجارها، هر دو تحت تأثیر «عقاید» فرد درباره یک عمل خاص هستند. به‌علاوه، همان‌طور که فیش‌باین می‌گوید، حتی در سطح مفهومی جدا کردن این سه از یکدیگر عملاً غیرممکن است.

قصد رفتاری^۲: بیانگر شدت نیت و اراده فردی برای انجام رفتار هدف است. رابطه قصد رفتاری با رفتار نشان می‌دهد افراد تمایل دارند در رفتارهایی درگیر شوند که قصد انجام آن‌ها را دارند؛ بنابراین رفتار همیشه بعد از قصد رفتاری و متصل به آن است.

باورهای رفتاری^۳: باورهایی که نسبت به پیامدهای کار فرد در او پیدا می‌شوند از نوع ارزش‌گذارانه هستند و در اعتقاد به موفقیت و شکست در کاری که در پیش گرفته است خلاصه می‌شوند. این باورها نگرش فرد را نسبت به کار موردنظر تعیین می‌کنند.

-
- 1- Subjective norms
 - 2- Behavioral intention
 - 3- Behavioral Beliefs

باورهای هنجاری^۱: حاصل هنجارهای ذهنی فرد است. این باورها پیچیده اساس گمان فرد را شکل می‌دهند. گمان در مورد نتایجی که به نظر دیگران نصیب او خواهد شد و احترامی که خود به این نظر خواهد گذاشت. این باورها تعیین‌کننده هنجارهای ذهنی مردم‌اند. (همان، ۱۳۹۰: ۷۳).

بنابراین چون رفتاری که ما به دنبال تبیین آن بر اساس این مدل هستیم، تعاملات همسایگی است لذا در ادامه تعریفی از این مفهوم ارائه می‌شود. در گام اول شناخت روابط همسایگی، توجه به این نکته حائز اهمیت است که در روابط همسایگی «تقرب مکانی» برای ایجاد و حفظ رابطه اهمیت دارد. درواقع همسایگان به این دلیل همسایه هم محسوب می‌شوند که نزدیک یکدیگر اقامت دارند. واژه‌های «همسایه» در زبان فارسی، «جار» در زبان عربی و «نیبور»^۲ در زبان انگلیسی به‌روشنی بر نزدیکی مکانی ساکنان تأکید دارند (سرعلی و پوردیهمی ۱۳۹۵: ۱۴). برای درک چگونگی تأثیر مجاورت بر رابطه اجتماعی افراد می‌توان مدل لوینگر و اسنوک (۱۹۷۲) در توضیح سطوح روابط اجتماعی افراد را مدنظر قرارداد. بر اساس این مدل میزان درگیری افراد در یک رابطه اجتماعی در چهار سطح یا مرحله قابل بررسی است:

- مرحله (۰): بدون تماس، افراد از وجود هم بی‌اطلاع‌اند.
- مرحله (۱): آگاهی یک‌طرفه، اولین برخوردها اتفاق می‌افتد، هریک از طرفین برداشت خود را از طرف مقابل شکل می‌دهد، اما هنوز ارتباطی نیست.
- مرحله (۲): ارتباط سطحی، دو طرف ارتباط سطحی برقرار می‌کنند و اطلاعات حداقلی بین طرفین مبادله می‌شود.
- مرحله (۳): تعامل عمیق دوسویه، طرفین آگاهانه با یکدیگر تعامل می‌کنند و صمیمیت بین طرفین ایجاد می‌شود.

«مجاورت مکانی»، مهم‌ترین عامل برای شروع یک رابطه و گذر از مرحله (۰) به مرحله (۱) است. به‌بیان دیگر بودن در حضور دیگران در قرارگاه‌های رفتاری مشترک «امکان» آشنایی اولیه افراد با یکدیگر (روبرو شدن و تماس چشمی در اولین مرحله و تماس‌های اجتماعی در مراحل بعدی) را فراهم می‌کند، اما به‌تنهایی برای ایجاد و تعمیق رابطه کافی نیست. درواقع صرف مجاورت فیزیکی افراد را ملزم به رابطه نمی‌کند. ایجاد روابط اجتماعی مثبت، علاوه بر مجاورت فیزیکی، نیازمند «همگنی» و «تشابه» نیز هست. منظور از تشابه نزدیک بودن نسبی

1- Normative Beliefs

2- Neighbor

خصوصیات افراد درگیر یک رابطه است که ممکن است به صورت مشهود (مانند سن، جنسیت، تحصیلات و...) یا نامشهود (مانند ویژگی‌های شخصیتی، علایق، مهارت‌ها، ارزش‌ها و...) و عینی و ذهنی (ادراک‌شده) باشد. لازم به ذکر است که فرایند کشف شباهت‌ها و تفاوت‌ها از سوی افراد زمان‌بر است و بسته به متغیرهایی، نظیر میزان فاصله فیزیکی، تعداد تماس‌ها، متغیرهای شخصیتی افراد و متغیرهای محیطی، زمان آن متغیر خواهد بود (سرعلی و پوردیهمی، ۱۳۹۵: ۱۶).

سطوح روابط همبستگی: تأثیر متغیرهای مختلف انسانی و محیطی بر روابط اجتماعی ساکنان مجاور، انواع مختلفی از روابط اجتماعی با شدت‌های مختلف را میان آن‌ها پدید می‌آورد. تالزا بلکنند^۱ با پذیرش نظر وبر در تقسیم‌بندی روابط اجتماعی، سه دسته از روابط اجتماعی میان همسایگان را به صورت زیر معرفی می‌کند:

معامله‌ها: روابطی عقلانی-ابزاری هستند که در آن‌ها کنشگر منافع خود را با محاسبات عقلانی دنبال می‌کند. در معامله‌ها، کنشگران به جای اینکه همدیگر را به صورت افرادی با مشخصه‌های فردی ببینند، با یکدیگر به منزله بازیگر یک نقش مواجه می‌شوند. در این‌گونه از روابط افراد حداقل کنش اجتماعی را با همسایگان دارند.

وابستگی‌ها: روابطی عقلانی-ارزشی هستند که بر اساس احساس قرابت فرد با دیگران پدید می‌آید.

پیوندها: روابطی با محتوای احساسی بالا هستند که با عواطف هدایت می‌شوند، پیوندها بالاترین سطوح روابط اجتماعی میان افراد را تشکیل می‌دهند. (سرعلی و پوردیهمی، ۱۳۹۵: ۱۶)

با توجه به مدل تئوری کنش عقلانی فرضیات این پژوهش عبارت‌اند از:

- بین باورهای رفتاری شهروندان یزدی و تعاملات همسایگی آنان رابطه معناداری وجود دارد.
- بین نگرش شهروندان یزدی و تعاملات همسایگی آنان رابطه معناداری وجود دارد.
- بین قصد و نیت شهروندان یزدی و تعاملات همسایگی آنان رابطه معناداری وجود دارد.

- بین‌باورهای هنجاری شهروندان یزدی و تعاملات همسایگی آنان رابطه معناداری وجود دارد.
- بین‌هنجارهای ذهنی شهروندان یزدی و تعاملات همسایگی آنان رابطه معناداری وجود دارد.
- میانگین تعاملات همسایگی در شهر یزد در حد کم است.
- بین تعاملات همسایگی بر حسب جنسیت تفاوت وجود دارد.
- بین تعاملات همسایگی و وضعیت تاهل تفاوت وجود دارد.
- بین تعاملات همسایگی و وضعیت اشتغال سرپرست خانوار تفاوت وجود دارد.

۳- روش تحقیق

در پژوهش حاضر از واحد خانوار برای یافتن نمونه تحقیق استفاده شد و با مراجعه به مناطق سه‌گانه شهر یزد این خانوارهای منتخب، مورد تحقیق قرار گرفتند. مجموع کل خانوارهای موجود در مناطق سه‌گانه شهر یزد بر اساس نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵، ۶۵۶ هزار ۴۷۴ نفر بوده است. برای انتخاب خانوارهای نمونه از شیوه نمونه‌گیری طبقه‌ای متناسب و سپس شیوه تصادفی ساده استفاده شد.

با توجه به حجم جامعه آماری سعی در انتخاب نمونه‌ای شد که خصوصیاتش بازتابی از کل جامعه آماری ما باشد تا ما بتوانیم نتایج به‌دست‌آمده از آن را با حدود و اطمینان قابل‌قبول به کل جامعه آماری تعمیم دهیم.

اگرچه جامعه آماری در پژوهش حاضر را تمامی شهروندان ساکن در یزد تشکیل می‌دادند ولی از واحد خانوار برای یافتن نمونه تحقیق استفاده شد. بدین ترتیب که با استفاده از فرمول کوکران، حجم نمونه خانوارهای موردنیاز ۳۸۵ تعیین گردیده و سپس با استفاده از روش تناسب به این معنا که با توجه به حجم جمعیت در هر منطقه میزان معینی پرسشنامه در آن پر شود و افراد انتخاب شوند، سهم هر منطقه به‌این ترتیب مشخص شد: در منطقه یک که شامل محلات امامشهر، کوچه بیوک، دولت آباد، شیخداد، نصرآباد، کسنویه، محمودآباد و همچنین طرفین بلوار جمهوری اسلامی و خیابان‌های مطهری، انقلاب و قیام می‌شود ۱۲۳ پرسشنامه و در منطقه دو که شامل محلات مهدی آباد، نعیم آباد، اکبر آباد، مریم آباد و حسن آباد می‌شود ۱۲۵ پرسشنامه و در منطقه سه که شامل محلات عیش آباد، خیرآباد، آزادشهر می‌شود ۱۳۷ پرسشنامه توزیع گردید.

برای تنظیم پرسشنامه مراحل زیر انجام پذیرفته است:

الف) بررسی نظریه‌ها و تحقیقات انجام‌شده: در این مرحله، نتایج تحقیقات میدانی و مطالعات کتابخانه‌ای که در خصوص تعاملات همسایگی و کنش عقلانی با حوزه‌های ذی‌ربط با آن منتشرشده بود، موردبررسی قرار گرفت.

ب) تهیه گویه‌های مناسب برای شاخص‌ها: سپس با استناد به ادبیات پژوهش برای هر شاخص از تعاملات همسایگی گویه‌های متعددی تهیه شد.

ج) تعدیل گویه‌ها و تهیه پرسشنامه نهایی: در مرحله بعد فهرستی شامل تمامی گویه فراهم آمد که پس از انجام یک پیش‌آزمون بر روی ۵۰ نفر از پاسخگویان سؤالات نامناسب و مشابه حذف و تغییر یافت و پرسشنامه مقدماتی تهیه شد.

برای تعیین اعتبار پرسش‌نامه این پژوهش، از روش اعتبار محتوا استفاده شده است. بدین منظور، پرسش‌نامه با توجه به زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی جامعه مورد مطالعه اصلاح شده و در اختیار چند نفر از متخصصان آشنا به مفاهیم اجتماعی تعاملات همسایگی و کنش عقلانی قرار گرفت و از نظرت آنان برای شناسایی اعتبار شاخص‌ها استفاده شد. بدین طریق اعتبار صوری پرسش‌نامه تأمین گردید. برای سنجش پایایی این پژوهش از آلفای کرونباخ استفاده شده است. ضرایب خلاصه‌شده مربوط به روایی و پایایی ابزار پژوهش حاکی از آن است که تمامی شاخص‌های برآمده از تئوری کنش عقلانی در سطح مطلوب و قابل قبول گزارش گردیده‌اند.

جدول ۱: خلاصه ضرایب مربوط به روایی و پایایی ابزار پژوهش

آلفای کرونباخ	پایایی ترکیبی	روایی واگرا MSV < AVE	روایی همگرا	تحلیل عاملی تأییدی	
۰/۸۲	۰/۸۲	۰/۲۸ < ۰/۵۳	۰/۵۳	۰/۸۳	باورهای رفتاری
۰/۸۲	۰/۸۲	۰/۲۸ < ۰/۵۴	۰/۵۴	۰/۸۶	باورهای هنجاری
۰/۷۸	۰/۷۸	۰/۲۸ < ۰/۵۱	۰/۵۱	۰/۸۵	نگرش
۰/۸۱	۰/۸۱	۰/۱۱ < ۰/۵۱	۰/۵۱	۰/۸۹	قصد انجام رفتار
۰/۸۶	۰/۸۶	۰/۱۵ < ۰/۶۱	۰/۶۱	۰/۷۲	هنجارهای ذهنی
۰/۸۰	۰/۸۰	۰/۱۸ < ۰/۵۰	۰/۵۰	۰/۶۴	تعاملات همسایگی

نکته: تحلیل عاملی تأییدی به صورت تحلیل عاملی تأییدی مرتبه اول گزارش گردیده است. روایی واگرا در این پژوهش از برآورد کوچک‌تر بودن مقدار میانگین واریانس استخراج شده از حداکثر واریانس مشترک برآورد گردیده است.

داده‌ها نیز توسط نرم‌افزار اسپاس^۱ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. در این بخش پس از توصیف داده‌های جمع‌آوری شده و ارائه‌ی آماره‌های توصیفی، به تجزیه و تحلیل فرضیات و آزمون آن‌ها پرداخته شده است. در بخش استنباطی نیز با توجه به اینکه بیشتر متغیرهای مستقل در سطح فاصله‌ای اندازه‌گیری شده‌اند از آزمون‌های همبستگی پیرسون، برای بررسی رابطه بین متغیرها، تحلیل واریانس تا مشخص شود که آیا متغیرهای موجود می‌تواند در سطح تعاملات همسایگی و رفتار آنان تفاوت ایجاد کنند و رگرسیون سلسله مراتبی چندگانه به منظور تعیین سهم متغیرهای غیر مفروض در تبیین واریانس متغیر تحت مطالعه، استفاده گردید.

۴- یافته‌های پژوهش

۴-۱- یافته‌های جمعیت‌شناختی

یافته‌های جمعیت‌شناختی این پژوهش حاکی از آن بود که ۵۱/۳ درصد (۱۹۸ نفر) از پاسخگویان زن و ۴۸/۷ درصد (۱۸۸ نفر) مرد بودند؛ ۴/۲ درصد (۵۵ نفر) از پاسخگویان زیر ۲۰ سال، ۳۶ درصد (۱۳۹ نفر) بین ۲۱ تا ۳۰ سال، ۲۱/۲ درصد (۸۲ نفر) بین ۳۱ تا ۴۰ سال، ۱۷/۹ درصد (۶۹ نفر) بین ۴۱ تا ۵۰ سال، ۱۰/۶ درصد (۴۱ نفر) بالای ۵۱ سال سن دارند. ۳۲/۶ درصد (۱۲۶ نفر) از پاسخگویان در منطقه یک، ۳۴/۲ درصد (۱۳۲ نفر) در منطقه دو، ۳۳/۳ درصد (۱۲۸ نفر) در منطقه سه یزد سکونت داشتند. ۳۵ درصد (۱۳۵ نفر) از پاسخگویان مجرد و ۶۳ درصد (۲۴۳ نفر) متأهل بودند. ۱۰/۶ درصد (۴۱ نفر) از پاسخگویان بازنشسته، ۱۹/۹ درصد (۷۷ نفر) کارمند ۶/۲ درصد (۲۴ نفر) کارگر، ۵۶ درصد (۲۱۶ نفر) آزاد، ۱ درصد (۴ نفر) پزشکی، ۳/۴ درصد (۱۳ نفر) مهندسی، ۱/۸ درصد (۷ نفر) بیکار بودند. ۶/۵ درصد (۲۵ نفر) از پاسخگویان زیر یک میلیون تومان، ۱۴/۸ درصد (۵۷ نفر) یک میلیون و یک هزار تا دو میلیون تومان، ۴۰/۴ درصد (۱۵۵ نفر) دو میلیون و یک هزار و تا سه میلیون تومان، ۳۸/۳ درصد (۱۴۷ نفر) سه میلیون و یک هزار تومان و بالاتر درآمد دارند.

۴-۲- یافته‌های توصیفی

جهت بررسی سطوح روابط همسایگی شهروندان یزدی، فراوانی هر سطح گرفته شد که نتایج آن به صورت خلاصه در جدول زیر آمده است:

جدول ۲: خلاصه ضرایب فراوانی سنجه‌های سطوح تعاملات همسایگی

انحراف از معیار	میانگین	کاملاً مخالفم	مخالفم	ناخدی مخالفم	ناخدی موافقم	موافقم	کاملاً موافقم		
۱/۱۶	۲/۷۸	۲/۹	۶	۱۲/۳	۳۴/۵	۳۱/۶	۱۱/۴	من در تعامل با همسایه‌ها به دنبال هدفی هستم.	تعاملات همسایگی
۱/۰۷	۲/۷۶	۱/۳	۴/۷	۱۶/۸	۳۲/۶	۳۳/۷	۹/۸	شادتر خواهم بود اگر کار دیگری را به جای تعامل با همسایه‌ها انجام دهم.	
۱/۱۰	۲/۶۸	۰/۸	۵/۴	۱۵	۳۲/۴	۳۲/۱	۱۳/۷	بجای ارتباط با همسایه‌ها، کارهای با ارزش دیگری وجود دارند که می‌توانم انجام دهم.	
۱/۰۵	۲/۷۴	۰/۳	۴/۹	۱۷/۴	۳۴/۵	۳۰/۳	۱۱/۷	بجای ارتباط با همسایه‌ها، کارهای دیگری وجود دارند که من می‌توانم انجام دهم که مفرح‌تر هستند.	
۰/۹۶	۴/۲۹	۰/۵	۱/۸	۶/۵	۳۲/۱	۳۸/۶	۱۹/۹	من به حقوق افراد در تعاملات همسایگی احترام می‌گذارم.	
۰/۹۴	۲/۳۳	۱	۱/۳	۸/۵	۳۹/۹	۳۵/۸	۱۳/۵	هر روز با همسایه‌ها سلام‌علیک دارم.	
۱/۱۷	۲/۵۲	۴/۹	۸/۳	۱۷/۴	۴۰/۷	۲۳/۳	۵/۴	من برای شناخت بیشتر همسایه‌ها مهمانی برگزار می‌کنم.	وابستگی
۱/۱۵	۳/۱۵	۳/۶	۵/۴	۱۱/۹	۴۰/۲	۲۸	۹/۶	در مواقع ضروری باهم مشورت می‌کنیم.	
۱/۲۵	۲/۸۶	۳/۴	۱۰/۱	۱۷/۴	۳۱/۱	۲۷/۷	۱۰/۴	در مواقع ضروری و به هنگام نیاز در مراسم بزرگ از منازل یکدیگر استفاده می‌کنیم.	
۱/۴۱	۲/۹۹	۱۰/۹	۹/۶	۱۴/۸	۳۲/۳۹	۲۳/۸	۸	وقتی یکی از ما به ما سفر می‌رود، کلید منزل را امانت به یکدیگر می‌دهیم.	
۱/۱۹	۳/۲۷	۳/۴	۸/۳	۱۳/۲	۳۹/۱	۲۵/۹	۱۰/۱	من در فعالیتهای گروهی محله مانند جلسات مذهبی شرکت می‌کنم.	
۱/۲۲	۲/۹۴	۳/۶	۷/۸	۱۶/۳	۳۳/۷	۲۸	۱۰/۶	من در دور همی‌های دوستانه همسایه‌ها شرکت می‌کنم.	
۱/۲۸	۳/۰۱	۴/۹	۹/۸	۱۳/۵	۳۳/۷	۲۸/۲	۹/۶	علاوه بر سلام و علیک با آنان در مورد اتفاقات روزانه گپ می‌زنم.	تکراری

۱/۱۵	۲/۸۷	۱/۶	۹/۱	۱۵/۵	۳۱/۶	۳۳/۲	۱۰۹	من با آن‌ها رفت‌وآمد نیز دارم.
۱/۰۷	۲/۸۱	۱/۶	۵/۲	۱۵	۳۹/۴	۱۸/۵	۱۰/۴	خانواده من نیز با آن‌ها رفت‌وآمد دارند.
۱/۰۵	۲/۸۶	۲/۱	۳/۶	۱۷/۹	۳۹/۹	۲۸	۸/۵	در مراسم به کمک یکدیگر می‌شتابیم.
۱/۳۴	۳/۲۵	۷/۸	۱۰/۶	۱۸/۹	۳۱/۳	۲۳/۳	۷/۸	من ارتباط با همسایه‌ام را بر اقوام خودم ترجیح می‌دهم.
۱/۳۷	۳/۳۵	۹/۳	۱۲/۲	۱۸/۴	۳۰/۸	۲۱/۸	۷	ترجیح می‌دهم آخر هفته‌ها با همسایه‌ام بیرون بروم.
۱/۰۳	۲/۷۴	۱/۸	۳/۹	۱۰/۶	۴۳/۵	۲۹/۸	۱۰/۱	من نسبت به ارتباط با همسایه‌ام تعهد اخلاقی دارم.
۱/۱۰	۲/۸۷	۱/۸	۵/۷	۱۷/۶	۳۶	۲۹/۸	۹/۱	من برای خشنود کردن همسایه‌ها با آنان وارد تعامل و گفتگو می‌شوم.
۱/۱۳	۲/۸۳	۲/۱	۶/۲	۱۵/۳	۳۵/۸	۳۰/۱	۱۰/۴	من به درخواست کمک همسایه‌ها در زمینه‌های مختلف پاسخ مثبت می‌دهم.

همان‌گونه که در جدول فوق ملاحظه می‌شود در سطح نخست تعاملات همسایگی که مربوط به شکل معامله‌ای روابط هست، پاسخگویان تا حدی موافق این بودند که به‌صورت هدفمند (۳۴/۵ درصد) با همسایه‌ها ارتباط برقرار می‌کنند، همچنین تا حدی موافق این موارد بودند که به‌جای تعامل با همسایه فعالیت‌های بارزتر (۳۲/۴ درصد) و مفرح‌تر (۳۴/۵ درصد) دیگری وجود دارد که می‌توانند انجام دهند و درنهایت موافق این امر بودند، اگر کار دیگری به‌جای تعامل با همسایه انجام دهند، شادتر خواهند بود؛ باین‌وجود عقیده داشتند که به حقوق افراد در تعاملات همسایگی احترام (۳۸/۶ درصد) می‌گذارند.

در سطح دوم تعاملات همسایگی که میزان وابستگی پاسخگویان را به همسایه‌هایشان نشان می‌داد، اکثریت آنان تا حدی موافق بودند که روزانه با همسایه خود سلام و علیک دارند (۳۹/۹ درصد)، برای شناخت همسایه خود مهمانی برگزار می‌کنند (۴۰/۷ درصد)، به هنگام ضرورت با یکدیگر مشورت (۴۰/۲ درصد) و از منازل یکدیگر (۳۱/۱ درصد) استفاده می‌کنند، همچنین تا حدی موافق بودند که هنگام مسافرت کلید منزل را به یکدیگر امانت (۳۲/۹ درصد) داده و در فعالیت‌های گروهی محله (۳۹/۱ درصد) و دور همی‌های دوستانه (۳۳/۷ درصد) شرکت می‌کنند.

در سطح سوم تعاملات همسایگی که میزان پیوندهای ارتباطی پاسخگویان را باهمسایه‌هایشان نشان می‌داد، اکثریت آنان تا حدی موافق بودند که در مورد اتفاقات روزانه با یکدیگر گپ می‌زنند (۳۳/۷ درصد)، خود و خانواده‌هایشان با یکدیگر رفت‌وآمد دارند (۳۱/۶ درصد)، در برگزاری مراسم به یکدیگر کمک می‌کنند (۳۹/۹ درصد)، ترجیح می‌دهند باهمسایه‌شان در ارتباط باشند (۳۱/۳ درصد) و آخر هفته‌ها بیرون بروند (۳۰/۸ درصد) تا با خویشاوندان خودشان؛ همچنین آنان تا حدی موافق بودند که نسبت به همسایه‌های خود تعهد اخلاقی دارند (۴۳/۵ درصد)، برای خشنود کردن همسایه خود با او در ارتباط و تعامل هستند (۳۶ درصد) و در نهایت تاحدی موافق بودند که به درخواست کمک همسایه‌های خود در زمینه‌های مختلف پاسخ مثبت می‌دهند (۸ درصد).

۳-۴- یافته‌های استنباطی

برای سنجش فرضیه تعاملات همسایگی در شهر یزد در حد کم است از آزمون تی تک نمونه‌ای استفاده شد. نتایج این آزمون به صورت خلاصه در جدول ۳ آمده است. بر این اساس سطح معناداری آزمون کمتر از ۵ صدم به دست آمده است لذا بین میانگین تعاملات همسایگی جامعه مفروض (۷۳،۵) و تعاملات همسایگی در شهر یزد (۶۰،۲) تفاوت معناداری وجود دارد. لذا فرضیه مورد نظر تائید می‌شود.

جدول ۳: خلاصه ضرایب آزمون تی تک نمونه‌ای برای سنجش تفاوت میانگین تعاملات

همسایگی نسبت به میانگین جامعه مفروض

متغیر	انحراف از میانگین	انحراف از معیار	میانگین	تعداد	
تعاملات همسایگی	۱/۷۹۷۹۱	۱۵/۶۷۶۳۹	۶۰/۲۱۲۰	۳۸۶	
Test Value = ۷۳/۵					
t	df	Sig. (2-tailed)	Mean Difference	95% Confidence Interval of the Difference	
				Lower	Upper
-۱۶/۶۵	۳۸۵	۰/۰۰۰	-۱۳/۲۸	-۱۴/۸۵	-۱۱/۷۹

برای سنجش تفاوت تعاملات همسایگی برحسب جنسیت، وضعیت تاهل و وضعیت اشتغال سرپرست خانوار از آزمون تی مستقل استفاده شد، علت استفاده از این آزمون به این علت بود که متغیر اصلی (تعاملات همسایگی) در سطح فاصله‌ای و سایر متغیرها (جنسیت، وضعیت تاهل،

وضعیت اشتغال سرپرست خانوار) در سطح اسمی و دارای دو گروه مستقل اندازه‌گیری شده‌اند. نتایج این آزمون به‌صورت خلاصه در جدول ۴ آمده است.

با توجه به اینکه در این فرضیه‌ها ما به دنبال تفاوت میانگین‌ها هستیم و همان‌طور که در جدول نشان داده شده است، برای تفاوت تعاملات همسایگی برحسب جنسیت، آزمون لون نابرابری واریانس‌ها را نشان می‌دهد، به‌این‌علت ما برای تأیید یا رد فرضیه موردنظر باید به T سطر دوم نگاه کنیم که با توجه به آن مقدار Sig این آزمون بیش از ۵ صدم هست لذا بین میانگین تعاملات همسایگی برحسب جنسیت تفاوتی وجود ندارد. همچنین اگر به مقدار میانگین نیز نگاه کنیم متوجه می‌شویم که میانگین به‌دست‌آمده برای زنان و مردان تفاوت چندانی باهم ندارد، لذا فرضیه موردنظر رد می‌شود. برای فرضیه تفاوت تعاملات همسایگی برحسب وضعیت تاهل نیز آزمون لون نابرابری واریانس‌ها را نشان می‌دهد که با توجه به T و سطح معناداری بین میانگین تعاملات همسایگی برحسب وضعیت تاهل تفاوت معناداری وجود دارد. همچنین اگر به مقدار میانگین در جدول نیز نگاه کنیم، متوجه می‌شویم که میانگین به‌دست‌آمده برای زنان (۶۱/۳) و مردان (۵۹/۷) بوده که با یکدیگر تفاوت دارد، لذا فرضیه موردنظر تأیید می‌شود. درنهایت برای تفاوت تعاملات همسایگی برحسب وضعیت اشتغال سرپرست خانوار نیز آزمون لون نابرابری واریانس‌ها را نشان می‌دهد که بین میانگین تعاملات همسایگی برحسب وضعیت اشتغال سرپرست خانوار تفاوت معناداری وجود ندارد، لذا فرضیه موردنظر تأیید می‌شود.

جدول ۴: خلاصه ضرایب آزمون تی مستقل برای سنجش تفاوت تعاملات همسایگی برحسب

جنسیت، وضعیت تاهل و وضعیت اشتغال سرپرست خانوار

متغیر	میانگین	تعداد	آزمون لون		آزمون تی مستقل	
			F	Sig	Df	Sig
مردان	۶۰/۲۸	۱۸۲	۰/۰۸۷	۰/۶۵	۳۶۶	۰/۹۳۱
زنان	۶۰/۱۳	۱۸۶	۰/۰۸۷	-	۳۶۵/۹۰	۰/۹۳۱
مجرد	۶۱/۳	۱۳۹	۰/۳	۰/۳۵	۱۰/۴۸	۰/۰۰۱
متاهل	۵۹/۷	۲۳۱	-	-	۰/۸۳	۲۲۱/۴۹
بیکار	۵۸/۴۲	۵۶	۰/۳	۰/۳۵	۰/۵۶	۰/۸۱
شاغل	۶۰/۴۸	۳۰۵	۰/۳	۷۷/۵۹۳	۷۷/۵۹	۰/۳

در ادامه با توجه به اینکه تمامی متغیرهای داخل مدل کنش عقلانی در سطح فاصله‌ای اندازه‌گیری شده‌اند از ضریب همبستگی پیرسون برای بررسی رابطه آن‌ها استفاده و خروجی آن در جدول ۵ نشان داده شده است. همان‌گونه که در جدول ملاحظه می‌شود ضریب همبستگی پیرسون به ترتیب برای رابطه متغیرهای نگرش و باورهای رفتاری برابر $r=0/69$, $p=0/001$ ، هنجارهای ذهنی و باورهای هنجاری برابر با $r=0/56$, $p=0/001$ ، قصد انجام رفتار و نگرش برابر با $r=0/72$, $p=0/001$ ، قصد انجام رفتار و هنجارهای ذهنی برابر با $r=0/62$, $p=0/001$ ، تعاملات همسایگی و قصد انجام رفتار برابر با $r=0/64$, $p=0/001$ ، تعاملات همسایگی و نگرش برابر با ضریب $r=0/46$, $p=0/001$ ، تعاملات همسایگی و هنجارهای ذهنی برابر با ضریب $r=0/41$, $p=0/001$ ، تعاملات همسایگی و باورهای رفتاری برابر با $r=0/33$, $p=0/001$ ، تعاملات همسایگی و باورهای هنجاری برابر با $r=0/51$, $p=0/001$ است که مثبت بودن جهت همبستگی رابطه مستقیمی بین متغیرها را نشان می‌دهد؛ بنابراین متغیرهای مدل کنش عقلانی دارای روابط معناداری با یکدیگر هستند و ما می‌توانیم تمامی آن‌ها را در رگرسیون چندگانه مورد سنجش قرار بدهیم تا سهم هر کدام در تبیین متغیر وابسته و اصلی تحقیق که تعاملات همسایگی است، مشخص شود.

جدول ۵: خلاصه ضرایب مربوط به معناداری روابط بین ابعاد مدل نظری کنش عقلانی

نام متغیر	ضریب پیرسون	سطح معنی داری	تعداد (بعد اول*بعد دوم)
نگرش و باورهای رفتاری	۰/۶۹	۰/۰۰۱	۲۸۲-۲۸۴
باورهای هنجاری و هنجارهای ذهنی	۰/۵۶	۰/۰۰۱	۳۷۹-۳۸۳
قصد انجام رفتار و نگرش	۰/۷۲	۰/۰۰۱	۳۸۰-۳۷۹
قصد انجام رفتار و هنجارهای ذهنی	۰/۶۲	۰/۰۰۱	۳۷۶-۳۸۰
تعاملات همسایگی و قصد انجام رفتار	۰/۶۴	۰/۰۰۱	۳۶۳-۳۸۰
تعاملات همسایگی و نگرش	۰/۴۶	۰/۰۰۱	۳۶۷-۳۸۴
تعاملات همسایگی و هنجارهای ذهنی	۰/۴۱	۰/۰۰۱	۳۶۴-۳۸۲
تعاملات همسایگی و باورهای رفتاری	۰/۳۳	۰/۰۰۱	۳۸۴-۳۶۷
تعاملات همسایگی و باورهای هنجاری	۰/۵۱	۰/۰۰۱	۳۸۳-۳۶۵

رگرسیون چندگانه برای سنجش اثر متغیرهای مستقل بر تعاملات همسایگی

در یک جمع‌بندی از آزمون‌های مطرح‌شده، رگرسیون چندگانه تأثیر متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته با روش هم‌زمان^۱ بررسی می‌شود:

میانگین‌ها، انحراف از معیارها و همبستگی‌های درونی متغیرهای پیش‌بین در جدول ۵ (الف) منعکس شده‌اند. ترکیب پنج متغیر هنجارهای ذهنی، باورهای هنجاری، باورهای رفتاری، نگرش و قصد انجام رفتار به شکل معناداری نوسان تعاملات همسایگی را پیش‌بینی کرد، $F(۵,۳۸۰)=۵۳/۰۵, p<۰/۰۰۱$. ضرایب بتا در جدول ۵ (ب) ارائه شده‌اند. طبق این جدول، در حضور پنج متغیر پیش‌بین، باورهای هنجاری و قصد رفتاری به شکل معناداری تعاملات همسایگی شهروندان یزدی را پیش‌بینی می‌کنند. مقدار R^2 تعدیل‌شده $۰/۴۰۳$ بود. این مقدار نشان می‌دهد که ۳۴ درصد از نوسان تعاملات همسایگی با مدل رگرسیون توصیف می‌شود. طبق راهنمای کوهن (۱۹۸۸)، این مقدار نشان از بزرگی اثر اندازه دارد.

جدول ۶: خلاصه رگرسیون چندگانه برای پنج متغیر پیش‌بین تعاملات همسایگی (N=۳۸۰)

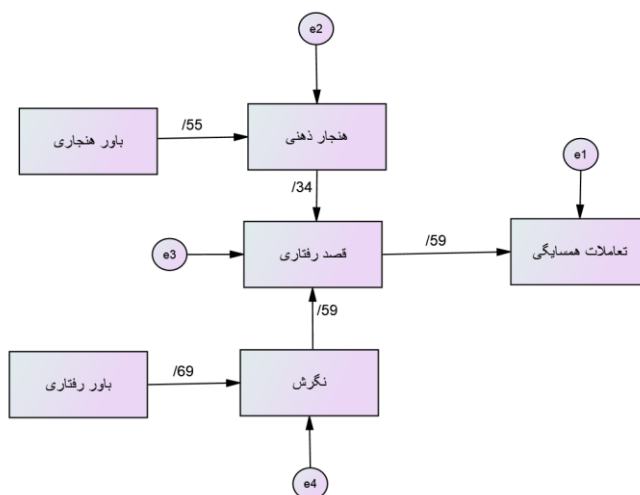
متغیر	B	SE B	β	t	p
باورهای رفتاری	-۰/۸۰	۰/۳۴	-۰/۱۵	-۲/۳۸	۰/۰۱
باورهای هنجاری	۰/۹۶	۰/۳۵	۰/۱۹	۲/۷۵	۰/۰۰۶
نگرش	۰/۰۰	۰/۲۹	۰/۰۰	۰/۱۴	۰/۹۸
قصد رفتاری	۲/۱۶	۰/۲۵	۰/۵۵	۸/۵۶	<۰/۰۰۱
هنجارهای ذهنی	۰/۱۹	۰/۰۲۳	۰/۴۵	۰/۸۳	۰/۴۰۷
مقدار ثابت	۲۸/۰۱	۰/۳۹			
$R^2=۰/۴۱, F(۵/۳۸۰)=۵۳/۰۵, p<۰/۰۰۱$					

آزمون مدل

تحلیل مسیر برای آزمون مدل‌های علی به کار می‌رود و مستلزم نموداری به صورت نمودار علی است و به ما کمک می‌کند ببینیم در پی چه چیزی هستیم. در این تحقیق جهت بررسی مدل از تکنیک تحلیل مسیر استفاده شد و متغیرهای مدل عبارتند از متغیرهای باورهای هنجاری و باورهای رفتاری (متغیر مستقل)، متغیرهای هنجار ذهنی، نگرش و قصد رفتاری (متغیر وابسته

میانی) و متغیر تعاملات همسایگی (متغیر وابسته نهایی). در شکل ۲ متغیرهای پژوهش و میزان ضریب مسیر آن‌ها مشخص شده است.

به منظور تعیین چگونگی تأثیر مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته از تحلیل مسیر استفاده شده است. دلیل استفاده، مشخص کردن سطح معناداری اثر مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای مستقل بر روی تعاملات همسایگی بود. در جدول ۷ اثرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته تحقیق نشان داده شده است.



شکل ۲: آزمون مسیر با ضرایب مسیر

جدول ۷: خلاصه نتایج محاسبه‌ی اثرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای مستقل تحقیق بر

تعاملات همسایگی

متغیر	اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم	کل
هنجار ذهنی	۰	۱/۰۰۷	۱/۰۰۷
باور رفتاری	۰	۱/۰۰۷	۱/۰۰۷
نگرش	۰	۱/۰۰۶	۱/۰۰۶
باور هنجاری	۰	۱/۰۰۸	۱/۰۰۸
قصد رفتاری	۱/۰۱۲	۰	۱/۰۱۲

** معنادار در سطح ۹۹ درصد

۵- بحث و نتیجه‌گیری

تئوری کنش عقلانی یکی از مهم‌ترین تئوری‌های عمومی، پویا و تحلیل رفتار انسان است که به‌عنوان یکی از تأثیرگذارترین مدل‌های تبیین رفتار در روانشناسی اجتماعی نیز شناخته شده است. هدف این تئوری درک، توضیح، پیش‌بینی و نفوذ رفتار انسانی است. به‌طور خلاصه این تئوری مدعی است که مردم منطقی هستند، به‌خوبی فکر می‌کنند و تصمیمات را بر اساس اطلاعاتی که در اختیار دارند، می‌گیرند (آیزن و فیش‌باین، ۱۹۸۰). بر اساس این تئوری، گرایش‌ها به‌طور مستقیم بر رفتار تأثیر ندارند، بلکه؛ گرایش‌ها بر نیت ما تأثیر می‌گذارند و این نیت است که رفتار ما را شکل می‌دهند (یوری، ۲۰۰۰: ۲۲۹-۱۹۷).^۱ به عبارتی بر اساس تئوری فیش‌باین و آیزن، تعاملات همسایگی افراد تابع قصد و نیت است و قصد و نیت به تعاملات همسایگی، خود تابع انتظارات افراد مهم یا انتظارات دیگران و انگیزه برای پیروی از انتظارات دیگران است (رفیع پور، ۱۳۷۲: ۱۸۷). همان‌طور که یافته‌های این پژوهش نیز نشان داد، رفتار شهروندان یزدی در تعاملات همسایگی تحت تأثیر مستقیم قصد و نیت آنان بوده و ۴۱ درصد ارتباطات آنان را این متغیر تعیین می‌کند که این امر نشان می‌دهد اکثریت شهروندان یزدی به‌صورت هدفمند با همسایه‌های خود ارتباط برقرار می‌کنند. در بعدی دیگر، همان‌طور که آیزن و فیش‌باین (۱۹۸۰) مدعی هستند، قصد و نیت، خود متأثر و تابع دو متغیر «نگرش به رفتار» که متغیر فردی و شخصی است و طی آن رفتار از منظر فرد کنشگر ارزیابی می‌شود و «هنجار ذهنی» است که منعکس‌کننده نفوذ و فشار اجتماعی است که شخص آن را برای یک کار احساس و ادراک می‌کند. این تئوری مبتنی بر این فرض است که افراد تمامی اطلاعات در دسترس درباره رفتار هدف‌دار را جمع‌آوری و به‌طور منظم ارزیابی می‌کنند. همچنین اثر و نتیجه اعمال را در نظر می‌گیرند، سپس بر اساس استدلال خود تصمیم می‌گیرند که عملی را انجام دهند یا انجام ندهند (پیکارین و دیگران، ۲۰۰۴).^۲

بر همین اساس در پژوهش حاضر مشخص گردید که ۲۱ درصد تعاملات همسایگی شهروندان یزدی متأثر از نگرش آنان به این روابط است، در نتیجه یافته‌های این تحقیق با نظریه آیزن و فیش‌باین مطابقت دارد.

درنهایت یافته‌های پژوهشی این تحقیق همانند محققین دیگر (مانند رستگار خالد و همکاران، ۱۳۹۳؛ طالبی ۱۳۸۳؛ نوابخش، ۱۳۷۸) که در تحقیقات خود در سایر شهرها از جمله

1- Urry

۲- Pikkarainen et al

همدان، مشهد، آران و بیدگل نشان دادند، مدعی است آن‌چنان‌که نظریه‌پردازان جبرگرائی اکولوژیک معتقدند روابط همسایگی در شهر یزد تضعیف نشده است و موافق با یافته‌های پژوهشی برخی از محققین (مانند یوسفی، ۱۳۸۸) تعاملات همسایگی در شهر یزد کمتر از حد متوسط و بیشتر نیز متکی بر پیوندهای معامله‌ای و وابستگی است و انسجام ارزشی تعاملات همسایگی نیز از لحاظ شدت علایق ارتباطی و تعهدات محلی ضعیف است.

همچنین یافته‌های این تحقیق در خصوص بررسی رفتارهای شهروندان یزدی در سطح دیگر روابط همسایگی که عقلانی شدن کنش آنان را تحت عنوان سطح معامله می‌سنجید، همانند تحقیق بروس و درک فرگوسن (۲۰۱۶) نشان می‌دهد که شهروندان یزدی ترجیح می‌دهند به‌جای تعامل با همسایه‌های خود به فعالیت‌های دیگری مشغول شوند، زیرا آن فعالیت‌ها را با ارزش‌تر و مفرح‌تر از ارتباط با همسایه‌های خود ارزیابی می‌کردند. این امر نشان می‌دهد که انسجام و همبستگی میان افراد در زندگی شهری رو به کاهش بوده و پدیده‌هایی مانند گمنامی و عقلانیت ابزاری امروزه بیش‌ازپیش در زندگی شهری رو به گسترش و فزونی قرار دارد. همانطور که در تحقیق همام صراح الدین و دیگران (۲۰۱۳) گفته شده است به نظر می‌رسد که ابعاد و اصول اساسی کیفیت زندگی شهری باید از طریق نهادینه شدن هنجارها، نگرش‌ها و رفتارهای شهروندان در تعاملات همسایگی از طریق نهادهای متولی جامعه‌پذیری از جمله سیاستگذاران عمومی، برنامه‌ریزان شهری و طراحان مورد بررسی بیشتری قرار بگیرد.

براساس مدل نظری کنش عقلانی می‌توان با تغییر در نگرش‌ها و دیدگاه‌های مردم در رفتار و عادات آن‌ها نیز تغییراتی ایجاد کرد. اگر نگرش به‌اندازه کافی قوی باشد، نهایتاً در شکل‌گیری رفتار آنان مؤثر خواهد بود. همچنین هنجارهای ذهنی در شکل‌دهی رفتار افراد در تعاملات همسایگی نقش مهمی را ایفا می‌کنند لذا پیشنهاد می‌گردد برای تقویت تعاملات همسایگی در شهر یزد شوراهای اجتماعی محلات فعال‌تر از پیش باشند و خدمات رفاهی و تفریحی محله‌ها نیز به شکل پررنگ‌تری مورد توجه قرار بگیرند تا از این طریق افرادی که در همسایگی یکدیگر زندگی می‌کنند بتوانند بیشتر به صورت چهره به چهره با یکدیگر معاشرت کنند که از این طریق روابط بین‌اهالی نیز گسترش پیدا خواهد کرد.

همچنین با توجه به بافت مذهبی و سنتی شهر یزد و وجود مساجد در محلات می‌توان با گنجاندن فعالیت‌های فرهنگی در این اماکن زمینه مشارکت و تعامل افراد را در محلات ارتقا داد.

از دیگر پیشنهادهایی که می‌تواند انسجام شبکه‌های همسایگی را در شهر یزد با توجه به توریستی بودن آن به دنبال داشته باشد، حمایت از کسب و کارهای خانگی و کارآفرینان در

حوزه صنایع دستی است که این مهم می‌تواند در سطح محلات به صورت شرکت‌های تعاونی پیگیری شود.

ضرورت ایجاد فضاهای گفت‌وگو و تعامل شهروندان از دیگر نکاتی که باید در زندگی شهری امروز مورد توجه بیشتر مسئولان شهری و استانی یزد قرار بگیرد چرا که فرهنگ یک جامعه از طریق تعامل و هم‌افزایی بین افراد آن تقویت و ایجاد می‌شود، سوق دادن ساخت و سازهای شهری مانند پارک‌ها و معابر به سمت فضاهای گفت‌وگو و تعامل میان شهروندان در این امر موثر هستند.

با توجه به ساختارهای امروزی زندگی افراد جامعه مانند آپارتمان‌نشینی یا مراکز تفریحی فردگرایانه، شهرداری‌ها و مهندسانی که طراحی شهر را به عهده دارند باید فضاهایی را برای ارتباط اجتماعی مردم ایجاد کنند تا از درون این فضاها، فرهنگ جامعه دائماً پالایش شود و شادابی و نشاط خود را حفظ کند. همچنین در حوزه فردی ریش سفیدان و ساکنان آپارتمان‌های کوچک نیز می‌توانند فرهنگ آپارتمان‌نشینی را غنا بخشند و باعث ارتباط بیشتر بین همسایه شوند.

منابع

- انصاری، ابراهیم (۱۳۸۱). جایگاه اجتماعی محله در شهرهای اسلامی با تأکید بر اصفهان. *جامعه‌شناسی کاربردی*، ۱۳، ۲۶-۱۵.
- خطیبی، اعظم (۱۳۹۶). تبیین جامعه‌شناختی تعاملات همسایگی و تأثیر آن بر احساس نشاط اجتماعی شهروندان در شهر همدان. *مجله مطالعات جامعه‌شناختی شهری*، ۷(۲)، ۱۳۴-۱۰۷.
- رستگار خالد، امیر، سلمانی بیدگلی، مسعود و آران دشتی، سمیه. (۱۳۹۳). بررسی رابطه‌ی سرمایه اجتماعی همسایگی با احساس امنیت محله‌ای - مطالعه موردی شهر آران و بیدگل. *مجله مطالعات جامعه‌شناختی شهری*، ۴(۱۱)، ۱۲۶-۹۱.
- رفیع پور، فرامرز (۱۳۷۲). *سنجش گرایش روستائیان به جهاد سازندگی*. تهران: ارغنون.
- سرعلی، رضا و پوردیهیمی، شهرام (۱۳۹۵). همسایگی و همسایه بودن. فصلنامه صفا، ۲۶(۱)، ۲۴-۵.
- صدیق سروستانی، رحمت‌الله (۱۳۷۳). *جامعه‌شناسی شهری*. تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی دانشگاه تهران.

- صدیق سروسستانی، رحمت‌الله و نیمروزی، نوروز (۱۳۸۹). بررسی ارتباط بین مشارکت در روابط همسایگی و احساس امنیت در محلات شهر مشهد. *دانش انتظامی*، ۴۷: ۲۲۰-۱۸۵.
- طالبی، ژاله (۱۳۸۳). روابط اجتماعی در فضاهای شهری. نامه علوم اجتماعی، ۲۴، ۱۶۱-۱۸۰.
- فلاح، محمدجواد (۱۳۹۲). *اخلاق همسایه داری و آپارتمان‌نشینی*. تهران: انتشارات کتاب نشر.
- نوابخش، مهرداد و رفیعی فر، مریم (۱۳۸۷). بررسی جامعه‌شناختی روابط همسایگی در مجتمع‌های مسکونی شهر تهران: مطالعه موردی منطقه دو شهرداری. *مجله جامعه‌شناسی معاصر*، ۱(۱)، ۶۵-۵۱.
- نواح، عبدالرضا و فروتن کیا، شهروز. (۱۳۹۰). بررسی رابطه بین کنش عقلانی و رفتارهای زیست‌محیطی مطالعه موردی جامعه شهری اندیمشک. *فصلنامه علمی محیط‌زیست*، ۵۱، ۷۸-۶۹.
- وحید، فریدون و نگینی، سمیه (۱۳۹۱). ساخت و اعتبار یابی مقیاس هویت محله‌ای. *فصلنامه مطالعات شهری*، ۲(۲)، ۳۵-۵۸.
- یوسفی، علی، نوغانی، محسن و حجازی، مهلا (۱۳۸۸). انسجام در شبکه‌های اجتماعی شهر مشهد. *مجله جامعه‌شناسی ایران*، ۱۰(۱)، ۱۶۱-۱۳۸.
- یوسفی، نریمان (۱۳۸۳). *شکاف بین نسل‌ها*. تهران: انتشارات پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.
- Ajzen, I. & Fishbein, M. (1975). *Belief attitude, intention and behavior: An introduction to theory and research*. Reading, MA: Addison-Wesley.
- Ajzen, I. (1991a). *Attitudes, personality, and behavior*. Chicago, Illinois: The Dorsey Press.
- Ajzen, I. (1991b). The theory of planned behavior. *Organizational Behavior and Human Decision Processes*, 50, 179-211.
- Ajzen, I. & Fishbein, M. (1980). *Understanding attitudes and predicting social behavior*. Englewood Cliffs, New Jersey: Prentice-Hall.
- Eissa, B., Awwad, R., Awwaad, R., & Furlan, R. (2015). Neighborhoods and social interactions: the case of Al-Najada area in Doha. *Furlan American Journal of Sociological Research*, 5(4): 119-133.

- Flint, J., & Kearns, A. (2006). Housing, neighbourhood renewal and social capital: the case of registered social landlords in Scotland. *European Journal of Housing Policy*, 6(1), 31-54.
- Ferguson, B. K., & Ferguson, D. E. (2016). Architectural and personal influences on neighboring behaviors. *Frontiers of Architectural Research*, 5(2), 194-201.
- Parker, K., Juliana, Menasce Horowitz, Anna, Brown, Richard, Fry, Dvera, Cohn and Ruth, Igielnik. (2018). *How urban, suburban and rural residents interact with their neighbors*. Journal Pew Research Center.
- Pikkarainen, T., Pikkarainen, K., Karjaluoto, H., & Pahnla, S. (2004). Consumer acceptance of online banking: an extension of the technology acceptance model. *Internet Research*, 14(3), 224-235.
- Rivera, D. (2004). *The use of a proposed modified model of planned behavior to predict the beef consumption of young adult college students* (Doctoral dissertation, Texas Tech University).
- Urry, J. (2000). *Sociology beyond societies: mobilities for the twenty-first century*. Psychology Press.
- Wakely, P., & You, N. (2001). Implementing the habitat agenda: *In search of urban sustainability* (pp. 1-204). DPU/DFID/UNCHS.
- York Cornwell, E., & Behler, R. L. (2015). Urbanism, neighborhood context, and social networks. *City & Community*, 14(3), 311-335.